

معنای متن:

پژوهشی در علوم قرآن

نصر حامد ابوزید

مرتضی کریمی نیا

# فهرست

۱۱	□ یادداشت مترجم
۲۲	□ مقدمه‌ی مؤلف برای خواننده‌ی ایرانی

۴۲	مقدمه‌ی مؤلف
۴۶	پیش‌گفتار: گفتمان دینی و روش علمی
۵۰	۱- سنت‌گروی یا نوآندیشی
۵۸	۲- درک علمی از میراث
۶۸	۳- دریاره‌ی روش

## بخش نخست: شکل‌گیری و شکل‌دهی متن در فرهنگ

۷۵	فصل یکم: مفهوم وحی
۷۶	۱- وحی عملی ارتباطی است
۷۹	۲- ارتباط بشر با جن
۹۱	۳- وحی قرآن
۱۱۲	۴- قرآن و کتاب
۱۱۸	۵- رسالت و ابلاغ

۱۲۲	فصل دوم: نخستین گیرنده‌ی متن
۱۲۵	۱- محمد و حنیفیت
۱۲۸	۲- آیین ابراهیم
۱۳۱	۳- نخستین ارتباط
۱۳۸	۴- واقع‌بینی در ابلاغ رسالت

۱۴۵	فصل سوم: مکنی و مدنی
۱۴۶	۱- معیارهای تفکیک
۱۵۱	۲- معیار اسلوب
۱۵۴	۳- روش تلفیقی میان روایات
۱۶۱	۴- فرض تکرار نزول
۱۶۶	۵- تفکیک میان متن قرآنی و حکم آن

۱۷۹	فصل چهارم: اسباب نزول
۱۸۰	۱- علت پاره پاره بودن نزول
۱۸۴	۲- کیفیت تنظیم
۱۸۸	۳- دلالت در کشاکش الفاظ عام و اسباب خاص
۱۹۷	۴- تعیین سبب نزول
۲۰۳	۵- تکرار نزول یک آیه به اسباب مختلف؛ نزول آیات مختلف به یک سبب واحد

۲۰۹	فصل پنجم: ناسخ و منسوخ
۲۰۹	۱- مفهوم نسخ
۲۱۴	۲- کارکرد نسخ
۲۲۰	۳- گونه‌های نسخ
۲۲۷	۴- انفکاک میان حکم و تلاوت
۲۳۴	۵- نسخ و ازلی بودن قرآن

## بخش دوم: سازوکارهای متن

۲۴۱	فصل یکم: اعجاز
۲۴۴	۱- قرآن و شعر
۲۴۹	۲- قرآن و سجع
۲۵۳	۳- جنبه‌ی برون متنی اعجاز
۲۵۷	۴- جنبه‌ی درون متنی اعجاز
۲۶۴	۵- اعجاز در زیان متن قرآنی (نظم)

## فصل دوم: مناسبت میان آیات و سور

۲۷۲	۱- مناسبت میان سوره ها
۲۷۶	۲- مناسبت میان آیات
۲۸۵	

## فصل سوم: غموض و وضوح

۲۹۷	۱- مفهوم و منطق (ندرت نصوص)
۳۰۰	۲- مُجمل
۳۰۵	۳- اختلاف های موهم تناقض
۳۰۹	۴- حروف مقطعه در آغاز سوره ها
۳۱۵	

## فصل چهارم: عام و خاص

۳۲۵	۱- سازوکارهای عموم
۳۳۱	۲- سازوکارهای خصوص
۳۴۳	
۳۵۷	۳- مطلق و مقید

## فصل پنجم: تفسیر و تأویل

۳۶۴	۱- معنای لغوی تفسیر و تأویل
۳۷۱	۲- معنای اصطلاحی تفسیر و تأویل
۳۸۵	
۳۹۲	۳- سازوکارهای تأویل

## بخش سوم: تفہیم مفهوم و کارکرد متن

۴۰۶	۱- علوم قشر و صدف
۴۱۱	۲- علوم لباب (طبقه‌ی علیا)
۴۱۱	الف- معرفت الله
۴۲۱	ب- شناخت راه سلوک الى الله
۴۲۶	ج- شناخت حال هنگام وصول (نواب و عقاب)
۴۲۸	۳- علوم لباب (طبقه‌ی سفلی)
۴۲۸	الف- علم فقه
۴۲۴	ب- علم کلام
۴۲۵	ج- قصص قرآنی

۴۳۶	۴- جایگاه قبیهان و متکلمان
۴۳۸	۵- تأویل: از قشر (پوسته) به لب (مغز)
۴۵۰	۶- تأویل از مجاز به حقیقت
۴۵۷	۷- عوام و خواص (ظاهر و باطن)
۴۶۶	۸- تفاوت لایه‌های متن
۴۸۲	□ زندگی نامه‌ی مؤلف
۴۹۳	□ گفتگوی مترجم با مؤلف
۵۲۲	□ مراجع و منابع
۵۴۳	□ فهرست معادل‌ها (عربی-فارسی)
۵۴۵	□ نمایه‌ی آیات
۵۵۲	□ نمایه‌ی اشخاص
۵۶۲	□ نمایه‌ی کتاب‌ها
۵۶۵	□ نمایه‌ی مکان‌ها
۵۶۸	□ نمایه‌ی اقوام، فرق و وقایع
۵۷۰	□ نمایه‌ی موضوعات

## یادداشت مترجم

مفهوم النص را می‌توان مهم‌ترین و اساسی‌ترین کتاب دکتر نصر حامد ابوزید، متفکر مسلمان مصری، دانست. هر چند استناد برخی ظاهربینان به جملاتی از دیگر کتاب‌های ابوزید برای تخطیه و تکفیر وی، سبب شهرت جنجالی اش در مطبوعات و محافل علمی جهان عرب و حتی غرب شد، اما بنیادی‌ترین آرای قرآنی و دینی او را در همین کتاب می‌توان یافت. این کتاب در واقع محصول تدریس مؤلف در موضوع علوم قرآنی برای دانشجویان دانشگاه قاهره است که در مدت کوتاهی پس از انتشار، توجه و اعتنای بسیاری از قرآن‌پژوهان و منتقدان مسلمان و حتی پاره‌ای از مستشرقان را به خود جلب کرد.<sup>۱</sup>

ابوزید در مفهوم النص کوشیده است مباحث رایج علوم قرآنی را از منظری تازه و با نگرش و ذهنیت امروزی بییند. مراد از "نگرش و ذهنیت امروزی" تمامی ابزارها و روش‌ها و علوم شناخته‌شده‌ی بشری است که امروزه در اختیار داریم. کتاب حاضر از یک سو کتابی ستّی است؛ یعنی هم به موضوعی کهن در میراث اسلامی می‌پردازد و هم مواد و مصالح اصلی آن عمدتاً متون و نظریات تدوین یافته در سنت گذشته‌ی ماست. از سوی دیگر اما، این کتاب را می‌توان اثری نوآندیشانه و جدید به شمار آورد؛ بدین معنا که می‌کوشد با به‌کارگیری

---

۱- برای نمونه نگاه کنید به مقاله‌ی "تفسیر" نوشته‌ی آنдрه روپین (Andrew Rippin) در *دانشنامه المعارف اسلام*، ویرایش دوم، چاپ لیدن، ۱۹۹۸، ج ۱۰، ص ۸۷؛ و کتاب *The Qur'an as Text* (قرآن به مثابه‌ی متن)، ویراسته‌ی اشتنان ویلد (Stefan Wild) لیدن، انتشارات بریل، ۱۹۹۳.

نظریه‌های متن‌شناختی و روش‌های متن‌پژوهی و زبان‌پژوهی، قرائتی نازه از علوم قرآن به دست دهد. ادعای مؤلف این است که تنها صورت‌بندی وی امری نازه است، اما لوازم و اسباب نظریه‌ی وی همگی در متون سنت و میراث گذشته‌ی ما موجودند. به همین دلیل فی‌المثل وی در موضع متعددی از کتاب خود، وجود نظریه‌ی نسخ، و مباحث اسباب نزول و مکی و مدنی را روشن‌ترین دلیل بر وجود رابطه‌ی دیالکتیکی میان متن قرآنی و واقعیت پیرامونی آن می‌داند.

مفهوم النص به عکس انبوی کتاب مشابه در موضوع خود، خواننده را به دقت، تأمل و بازنگری در اندیشه‌ی پیشینیان فرامی‌خواند، می‌کوشد گام به گام مسیر پژوهش را با خواننده‌ی خود طی کند و او را از جمود و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر سلطه و مرجعیت قدما بر حذر دارد. می‌توان به روشنی رهیافت او را نوعی رهیافت اعتزالی نوین دانست که در فضای اشعری‌زده‌ی پاره‌ای از کشورهای اسلامی، همگان را به تردید درگفته‌های پیشینیان فرامی‌خواند و مهم‌ترین راه شناخت وحی را بهره‌گیری دوباره از تفکر عقلانی، در پرتو دانش‌های جدید بشری می‌داند. همچنان که جابر عصفور، استاد ادبیات در دانشگاه قاهره، یادآور شده است، رهیافت اعتزالی ابوزید بر سه اصل معرفت‌شناختی استوار است. نخست آن که آدمیان بنا به عدالت الهی، قدرت دست‌یابی به معرفت و ادوات آن را دارند. عقل که رسول باطنی خداوند در میان انسان‌هاست، و به گونه‌ای عادلانه میان آنان قسمت شده است، حجت خداوند بر خلق است و قادر است که بدون یاری و وصایت دیگران به حقیقت دست یابد. دوم آن که شناخت امری نسبی است، چراکه از یک سو بشری است و از سوی دیگر مقید و محدود به ابزارهایی که خود متحول و متغیرند. همین اصل، مبنای فهم تکامل و پیشرفت بشر در آرا و اندیشه‌های پیشینیان است. سومین اصل معرفت‌شناختی ابوزید نتیجه‌ی دو اصل پیشین است: از آنجاکه شناخت امری نسبی است و تحول یا تکامل می‌یابد، باید نوعی شکنقادانه را به کار گرفت تا بتوان کاستی‌های اندیشه‌ی پیشینیان را شناخت و فرایند معرفت انسانی را به پیش برد.<sup>۱</sup>

۱- جابر عصفور، هوامش علی دفتر التویر، ص ۳۹.

مهم‌ترین نظریه‌ی طرح شده در مفهوم النص پیوند متن و واقعیت است که ابوزید آن را برعهود ممتازی مانند شاهکارهای ادبی، از جمله قرآن، صادق می‌داند. مراد از واقعیت، تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی موجود هنگام، قبل و بعد از شکل‌گیری متن است که به‌طور خاص در زبان قوم منعکس می‌شوند. بر اساس این نظریه‌ی هرمنوتیکی، هیچ متنی در خلاً و فارغ از زمان و مکان خود شکل نمی‌گیرد، بلکه همواره هر متنی – به‌ویژه یک متن زبانی – آینه‌ی زبان و فرهنگ مؤلف و مخاطبان خود است. هیچ متنی به زبانی غیر از زبان مؤلف و مخاطبان آن خلق نمی‌شود و قرآن نیز که متنی زبانی است، از این اصل مستثنان نیست.

رابطه‌ی دیالکتیکی متن و واقعیت، رابطه‌ای دوسویه است. بر این اساس اگر بخواهیم درباره‌ی متن قرآنی سخن بگوییم، لازم است به‌یاد داشته باشیم که قرآن بازتابی صرف و منفعلانه از واقعیت زمانه‌اش نیست، بلکه اولاً آن را به شیوه‌ای مؤثر بازسازی می‌کند؛ یعنی عناصر منفی آن را کنار می‌گذارد، برخی دیگر را می‌پذیرد و عناصری جدید به آن می‌افزاید. ثانیاً پس از آنکه این متن، متن حاکم و غالب در فرهنگ جامعه شد، بر واقعیت پیرامون خود قویاً اثر می‌گذارد. بنابراین متن قرآنی دو مرحله را پشت سرگذاشته است؛ نخست مرحله‌ی "تکون و شکل‌گیری در واقعیت" که مدت آن از آغاز بعثت پیامبر اکرم ﷺ تا هنگام تدوین مصحف قرآن بوده است؛ و دوم مرحله‌ی "شکل دهنده به واقعیت" که آن نیز از ابتدای بعثت آغاز شده و همواره و همه‌جا در تاریخ فرهنگ اسلامی ادامه داشته است. در دوره‌ی نخست، فرهنگ و واقعیت خارجی از طریق مهم‌ترین سازوکار خود، یعنی زبان، تأثیر خود را بر نحوه‌ی شکل‌گیری متن قرآن گذارده است. بنابراین فی‌المثل آیات مکی هم از حیث محتوا و مضامون و هم از نظر شکل و ساختار با آیات مدنی متفاوت‌اند. اما در دوره‌ی دوم این قرآن بوده است که به متن حاکم و معیار در فرهنگ اسلامی بدل شده و تمامی وجوده‌این فرهنگ (از جمله متون آن) را متأثر کرده است. این را می‌توان چکیده‌ای از نظریه‌ی ارتباط متن قرآن و واقعیت دانست که ابوزید مدعی است شناخت صحیح متن قرآن از ابتدا بر آن استوار بوده است و امّا ... ذهنه معناء، مت. ق آن. همواره